

## رسوایی کرونایی

در برخی شهرها واکسن زدن تعدادی از مدیران شهری به جای پاکبان‌ها در فضای مجازی خبر ساز شد

**[بیلماهداد]** کووید-۱۹ دوباره خبرساز شد، آن هم بامدیران شهری. این بار در آبادان. قول و قرارها بر اولویت بندی دریافت دوز اولیه واکسن بود. قول و قرارهایی که می‌گفتند پاکبانان جزو مشاغل پرخطرند و نیازمند واکسن کووید-۱۹. لیست پاکبانان آبادان تهیه شد. لیستی که هوس کرد نام بعضی از مدیران شهری و اعضای شورای شهر را هم میان پاکبانان بنویسد. پاکبانانی بالباس کار و ماسک بر صورت تصمیم گرفتند واکسن چینی وارداتی را امتحان کنند. مدیران شهری و بعضی از اعضای شورای شهر هم زیر ماسک پنهان شدند تا از واکسن چینی بی‌نصیب نمانند. مدیران شهری که آبادان را سرزبان‌ها انداختند. چند ساعتی طول نکشید که همه از این تقلب گفتند. رئیس دانشکده علوم پزشکی آبادان اولین کسی بود که پرده از این تقلب بزرگ برداشت. شکرالله سلمان زاده از هماهنگی با شهرداری گفت. از قول و قرار تهیه لیستی از پاکبانان برای مرکز بهداشت شهرستان‌ها. لیستی که تعیین می‌کرد چه کسانی در اولویت دریافت واکسن هستند. «متأسفانه تعدادی از مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر نام‌شان در این لیست جای پاکبانان را گرفت.» به گفته سلمان زاده در شرایطی که مراجعه‌کنندگان ماسک بر صورت داشتند، شناسایی افراد معطوف می‌شده به لیست. «مبنای لیست ارسالی شهرداری بود، بنابراین بعضی از مدیران شهری واکسن دریافت کردند.»

شهردار آبادان ماسک زده و کت و شلوار پوشیده، چشم در لنز دوربین نشست تا در مورد این تقلب شفاف‌سازی کند. محمود رضا شیرازی صحبت‌های رئیس دانشکده علوم پزشکی آبادان را تنها دامن زدن به حاشیه‌ها دانست. «بیش از ۵۰۰ پاکبان در آبادان فعال هستند.

حدود ۲۱۹ دوز به آنها اختصاص یافته است.» قرار بر تزریق واکسن چینی که شد، ۱۴ پاکبان داوطلب شدند برای محک زدن واکسن وارداتی از دیار چشم بادامی‌ها. مراسم رسمی برگزار شد تا آداب تزریق واکسن کووید-۱۹ هیچ کم و کسری نداشته باشد. امام جمعه شهرو شهردار آمدند. مدیران شهری هم دعوت بودند. مراسمی که به گفته شهردار آبادان کمی با تأخیر شروع شد. «چند تن از داوطلبان استرس داشتند و می‌ترسیدند.» هر چند واژه داوطلب شدن با ترسیدن کمی منافات دارد! البته شیرازی گفته واکسن‌های «سینوفارم» چینی برای داوطلبان ناشناخته بوده برای همین ترسیدند. کاش شیرازی این سوال را پاسخ بدهد: آیا پاکبانان داوطلب با ذهنیت واکسن فایزر، مدرنا و آسترانکا برای تزریق آمده بودند؟ در میان مدعوین مراسم رسمی آقای شهردار به امام جمعه آبادان هم اشاره داشته. هر چند امام جمعه آبادان دریافت واکسن را شایعه دانسته و گفته: «تا الان هیچ‌گونه واکسنی نردم و قطعاً نخواهم زد تا افراد اولویت دار استفاده کنند.» حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی پور تا کید کرده منتظر واکسن ایرانی خواهد ماند. پاکبانان از واکسن می‌ترسند. از میان ۱۴ داوطلب به گفته شهردار آبادان تنها هفت یا هشت نفر واکسن را دریافت می‌کنند. چهار یا پنج روز به روایت آقای شهردار از مراسم رسمی دریافت واکسن می‌گذرد و دیگر داوطلبی پیدانمی‌شود! «به واحدهای خدمات شهری دستور دادم مسئول هر قسمتی پاکبانان را متقاعد به دریافت واکسن کند.» دستور آقای شهردار افاقه می‌کند و پاکبانان هر بخش به همراه مسئول بخش به مراکز بهداشت مراجعه می‌کنند. «به مسئولان گفتن برای اطمینان پاکبانان اگر متولیان امر قبول کردند همراه پاکبانان تزریق واکسن داشته باشند.» برای رفع استرس پاکبانان واکسن زد. «۲۱۹ دوز واکسن سهم بیش از ۵۰۰ پاکبان آبادان بود. دوزهایی که به گفته شهردار آبادان ۹ تا ایشان به مدیران شهری تزریق شدند؛ هشت مدیر و خود شهردار. «هشت نفر یکی از کارشناسان مسئول بود. یکی از معاونان خدمات شهری.

مدیر پسماند و مشاور بهداشت خود شهردار. «۹ سوپرمنی که واکسن «سینوفارم» را روانه‌گ هایشان کردند تا پاکبانان ترغیب به تزریق شوند.» مسئولان قبل از پاکبانان تزریق کردند. «هر چند از میان این ۹ سوپرمن، یکی به گفته آقای شهردار بعد از تزریق حالش بد شد و کرونا گرفته.» «دوروزی اهواز بستری بود و حالا تهران است. ۳۵ درصد ریه‌هایش درگیر است.» «در این ویدیو شهردار آبادان از تزریق واکسن به دو تن از غسالان کرونایی و چند بیمار با مشکلات زمینه‌ای جراحی قلب باز و مشکلات کلیه‌ای خبر می‌دهد. «مهلت تزریق یک هفته بود که تمام شد و ۱۱۵ واکسن باقی مانده.» آقای شهردار حضور اعضای شورای شهر و تزریق واکسن به بعضی از این اعضا در ویدیو کاملاً تکذیب می‌کند. «من تزریق اعضای شورای شهر را تکذیب می‌کنم.» شهردار آبادان کمی صدایش را پشت میکروفن صاف می‌کند و از تجربه یک ماه کرونا گرفتنش می‌گوید. اینکه روزگار سختی را گذرانده و مقداری از ریه‌اش هم درگیر شده. او از کرونا گرفتن بعضی از اعضای شورای شهر در تبریه هم می‌گوید. تجربه‌های سختی که این گمانه‌را قوت می‌بخشد که شاید شهردار برای تکرار نشدن آن روزهای سخت تصمیم گرفته واکسن بزند؛ در راستای ترغیب پاکبانان البته. به باور آقای شیرازی، شهردار آبادان مسائلی از این دست در شهرهای دیگر کشور هم اتفاق افتاده؛ دچار استرس شدن پاکبانان و همراهی مسئولان برای تزریق واکسن! «آبادان هم مستثنای نبوده هر چند حقی هم از پاکبانی ضایع نشده.» در آفرودیدو اما آقای شهردار واقعا از این در به آن درزن خسته شده. شهرداری که گویی به فکر چاره‌ای است برای اختتامیه این مصاحبه شفاف‌ساز. «این دوز اول واکسن است. این طور نیست هر کسی واکسن زد ماسک نزن چون رعایت نکند مبتلای شود اما مخفی، ریه‌هایش کمتر درگیر می‌شود.»



۲ هزار اصله درخت پیرمرد کامیارانی در یک شب قطع شد

## من بچه‌هایم را می‌خواهم

میهمان‌ها تازه رسیده بودند.

خدامراد فرصتی پیدا کرد که سری به زمین بزند و همراه مازنیار پسرش به باغ رفت. درختان قسمتی از باغ روی زمین خوابیده بودند. به نظرش آمد شاید باد شدیدی که شب گذشته آمده، درختان را زمین انداخته است، اما ماجرا فراتر از این حرف‌ها بود، هر چه بیشتر می‌رفت، عمق فاجعه بیشتر بود. نمی‌توانست آنچه را که می‌بیند، باور کند. درخت‌هایش قطع شده و همه روزی زمین افتاده بودند، دیگر نمی‌توانست روی پیش بایستد، درختی هم نبود که تکیه‌گاهش شود، انقدر بدحال شد که مجبور شدند با اورژانس تماس بگیرند.»

### ضرر مالی ۶۰۰ میلیون تومانی

مسعود ورمزیاری یکی از معتمدان رسانه‌ای به «شهروند» می‌گوید بیش از ۱۰۰۰ اصل درخت ۳ تا ۸ ساله قطع شده و اگر قلمه‌های مو و انار را هم که کنده و روی زمین افتاده است، به آن اضافه کنیم، بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ بوته درخت

**[ملیحه محمود خواه]** قطع بیش از ۲ هزار و ۳۰۰ اصله درخت و نهال پیرمرد کامیارانی را از پای انداخته است. او از همه می‌خواهد کمک کنند تا مقصر ماجرا مشخص شود. آفتاب نیمه‌جان تمام رملش را روی درختانی انداخته که دیگر توان سرپا ایستادن ندارند. درختانی که تازه زمستان را پشت سر گذاشته بودند و امید داشتند که حالا می‌توانند جوانه بزنند و نفس تازه‌ای بکشند، بی‌رمق روی زمین افتاده‌اند و خدامراد هر روز برای جوانه‌هایی که نتوانستند بار و برگ بیاورند، گریه می‌کند.

فیلم قطع درختان یک مرد روستایی در ۱۵ کیلومتری جاده کامیاران به سمت سنندج چند روزی است که در فضای مجازی دست به دست می‌شود. پیرمرد با چهره آفتاب سوخته به درختانی که حالا همه افقی روی زمین افتاده‌اند، نگاه و گریه می‌کند. گریه‌هایش تلخ و جانسوز است و مدام از دیگران می‌خواهد کمکش کنند.

سال‌هاست که روی زمین کار می‌کند، از همان زمانی که وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد هر کسی بتواند روی زمین‌های بایر کشت و کار راه بیندازد، زمین بایر برای خودش می‌شود، او کارش را شروع کرد آن هم روی تپه‌هایی که کار روی آنها سخت بود. روزها و روزها روی این تپه‌ها کار و آنها را با بلدوزر صاف کرد تا بتواند روی این زمین‌ها کار کشاورزی انجام دهد. شبانه‌روز کنار این درختان چادر زد و خوابید و به آنها رسیدگی کرد تا باغش شکل گرفت و پس از ۱۰ سال توانست مجوز زمین‌ها را از جهاد کشاورزی دریافت کند.

خدامراد زارعی، کشاورز سنندجی در گفت‌وگو با «شهروند» می‌گوید: «حدود ۱۱ سال پیش وزارت جهاد کشاورزی چوبار به مرحله اجرا گذاشت، یعنی قرار شد هر کسی در زمین‌های بایر کشاورزی راه بیندازد و بتواند زمین را از این شرایط خارج کند، زمین را به او واگذار کند. با نظر خود وزارت کشاورزی کار را روی تپه‌های خارج از شهر شروع کردم و در دو مرحله یکی در زمینی به وسعت ۴/۵ هکتار و دیگری در زمین ۲/۵ هکتاری فعالیت کشاورزی را شروع کردم.»

### یک شب شوم

قرار بود از سنندج برای روز سیزده به در برایشان میهمان بیاید. ساعت ۵ عصر روز ۱۲ فروردین برای خرید مرغ از باغ بیرون رفت و به همراه پسرش به چند مرغ‌فروشی در سنندج سرزد، اما هیچ جامرغ پیدا نمی‌شد. مجبور شدند برای پیدا کردن مرغ تا دیروقت همه شهر را زیرورو کنند. وقتی به خانه رسیدند انقدر خسته بودند که شام نخورده به خواب رفتند.

ساعتی از صبح رفته بود که از خواب بیدار شدند، باید تدارک میهمانی را می‌دیدند، ساعت از دو گذشته بود و

من بچه‌هایم را می‌خواهم، درخت‌ها بچه‌هایم بودند و آنها را با خون دل رشد داده و بزرگ کرده بودم. من نیار به کمک هیچ کسی ندارم، تنها می‌خواهم مقصر این کار مشخص شود و به جزای کارش برسد. تنها یک کشاورز می‌داند کندن کوه و صاف کردن تپه‌های پر از سنگلاخ چه سختی دارد و من تمام این سختی‌ها را به جان خریدم تا بتوانم قسمتی از زمین را احیا کنیم

### جانبا ز امر به معروف و نهی از منکر

خدامراد از نحوه جانبا ز شدنش می‌گوید: «در منطقه فکه یک بار مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفتم و مدتی هم در بیمارستان بستری بودم، اما یک بار دیگر نیز در شهر جانبا ز شدم.»

او از ماجرای جانبا ز شدنش به خاطر امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید: «یک بار از یکی از خیابان‌ها عبور می‌کردم که متوجه داد و فریاد زنی شدم که تقاضای کمک می‌کرد. صدا از یک کوچه پرت می‌آمد، وقتی به سمت کوچه رفتم، متوجه شدم که دو جوان در حال اذیت کردن زن جوانی هستند و زن نمی‌تواند از دست آنها خلاص شود. به کمک زن رفتم و وقتی یکی از جوان‌ها را گرفتم تا مانع از کار او شوم، پسر جوان همراه او با چاقو به پهلویم زد و هر دو فرار کردند. برای درمان مدت زیادی در بیمارستان بستری بودم، حتی مدتی به فرانسه رفتم، اما آنجا که حمایت مالی نداشتم، بدون آنکه درمانم به پایان برسد به روستایم برگشتم.»

### فقط قاتل درختانم را پیدا کنبد

کمک‌های زیادی این روزها از سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف به سمت خدامراد آمده است، حتی می‌گویند سفارت روسیه به او پیشنهاد داده است که با هزینه خود تمام زمین خدامراد را مکانیزه می‌کند، اما او هیچ کدام از این کمک‌ها را نمی‌خواهد و می‌گوید: «من بچه‌هایم را می‌خواهم، درخت‌ها بچه‌هایم بودند و آنها را با خون دل رشد داده و بزرگ کرده بودم. من نیار به کمک کسی ندارم، تنها می‌خواهم مقصر این کار مشخص شود و به جزای کارش برسد. تنها یک کشاورز می‌داند کندن کوه و صاف کردن تپه‌های پر از سنگلاخ چه سختی دارد و من تمام این سختی‌ها را به جان خریدم تا بتوانم قسمتی از زمین را احیا کنیم.»

### بررسی‌های قضائی ادامه دارد

او سرپرست هفت نفر است و حالا دو کودک پسرش که مادرشان از دنیا رفته است هم با او در روستای سو در کنار زمین‌های کشاورزی شان زندگی می‌کنند. تمام درخواست خدامراد پیدا شدن مقصر است و تنها می‌خواهد بداند چه کسی این بلا را سرزمینش آورده است.

بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد که درختان این باغ در روستای سو در نزدیکی سد گاوشان حدود ساعت ۲ یا ۳ بامداد قطع شده است.

غیر از خسارت مادی این عمل با توجه به اینکه بیشتر ساکنان این منطقه باغدار هستند و از این طریق امرار معاش می‌کنند، نتیجه آن بردآمد و معاش خانواده تأثیر بسیار منفی می‌گذارد.